

اسفار کاتبان

۳۰ فروردین ۱۳۹۳ ساعت ۲۰:۰۱

رمان ((اسفار کاتبان)) ابوتراب خسروی پس از (نیمه غایب) حسین سنایور - دومین رمانی است که در مراسم انتخاب رمان برگزیده سال (جایزه مهرگان) با نظر هیات داوران به عنوان رمان سال ۷۹ برگزیده شده است. اسفار کاتبان رمانی است که ساختار آن مقداری متفاوت از رمان هایی است که تا کنون در عرصه ادبیات معاصر (به خصوص دهه اخیرنگاشته شده است.

رمان ((اسفار کاتبان)) ابوتراب خسروی پس از (نیمه غایب) حسین سنایور - دومین رمانی است که در مراسم انتخاب رمان برگزیده سال (جایزه مهرگان) با نظر هیات داوران به عنوان رمان سال ۷۹ برگزیده شده است. اسفار کاتبان رمانی است که ساختار آن مقداری متفاوت از رمان هایی است که تا کنون در عرصه ادبیات معاصر (به خصوص دهه اخیرنگاشته شده است.

(ابوتراب خسروی) در این رمان با استفاده از نثر متون کهن ادبیات کلاسیک ما و همچنین ترجمه متون عهد عتیق توانسته است با هم آمیزی خصوصیات و عناصر فرهنگی عمیق ایرانی که به نوعی ریشه در ادبیات کلاسیک ما دارد ؛ ساختاری مناسب برای رمان « اسفار کاتبان » انتخاب نماید در « اسفار کاتبان » برخلاف تم در اماتیک و روایت گونه یک رمان معمولی (با تعریف کلاسیک). هیچ اثری از سیر حرکت خطی روایت قابل مشاهده نیست و در داستان پیرنگ یا چارچوب خاصی که سیر روایت را به تعریف رایج داستانی به جلو ببرد، نمی بینیم.

ساخت کلی « اسفار کاتبان » حرکت چند داستان به موازات هم با استفاده از تکنیک ((روایت در روایت)) است که مورد توجه داستان نویسان قرن بیستم است. این رمان در واقع از نظر ساختار به سه بخش مجزا تقسیم می شود.

۱- روایت در اماتیک داستان که روایت اقلیما و سعید است و شیوه نگارش و ساخت زبان آن بسیار ساده و سیر حرکت داستان خطی است.

۲- بخش دیگر داستان استفاده از متون قدیمی یهودی (تلموذ و متون عهد عتیق) است که قصه قدیمی به نام « شدرک » را بیان می کند که ساختار زبان و شیوه نگارش آن متفاوت از بخش در اماتیک است.

۳- بخش دیگر داستان قصه احمد بشیری یا شیخ یحیی کندی است که از متون کهن (مصادیق الاثار) ایرانی برگرفته شده است

که آن هم ساختاری متفاوت با سایر بخش ها دارد و به نظر بخش پیچیده رمان است.

در کنار این سه بخش دو داستان و یا روایت دیگر نهفته است که بخشی از رمان را به خود اختصاص داده اند. یکی روایت « زولفا جیمز » و دیگری سرگذشت مادر « اقلیما ».

در واقع این پنج بخش به موازات هم در داستان به صورت برش های موازی ، کلیت ساختار و محتوای رمان را پیش می برند.

« اسفار کاتبان » با همین ساخت توسط نویسنده ای جوان پرداخت شده که با تیزبینی و هوش سرشار خود، با شناخت دقیقی که از « قدرت زایایی » زبان دارد، توانسته است با در هم آمیختگی ساخت زبان کهن و امروزی یک اثر به یادماندنی را در ادبیات ایران بر جای گذارد. او در ساخت این رمان دست به خلق زبانی صوری « FORMAL » زده است که همچون ساختی مصنوعی به گونه ای تاویل یافته از زبان طبیعی به شمار می رود. « خسروی » در به کارگیری زبان متون کهن (نه این که این بخش از داستان را عینا از متون کهن به عاریه گرفته باشد، بلکه روایت خود از متون کهن است) به حدی استادانه عمل می کند که با خلق ساخت همان زبان (زبان مصنوعی) روایت خود را از « شدرک » به زبان عهد عتیق و مصادیق الاثار از زبان احمد بشیری بیان می کند.

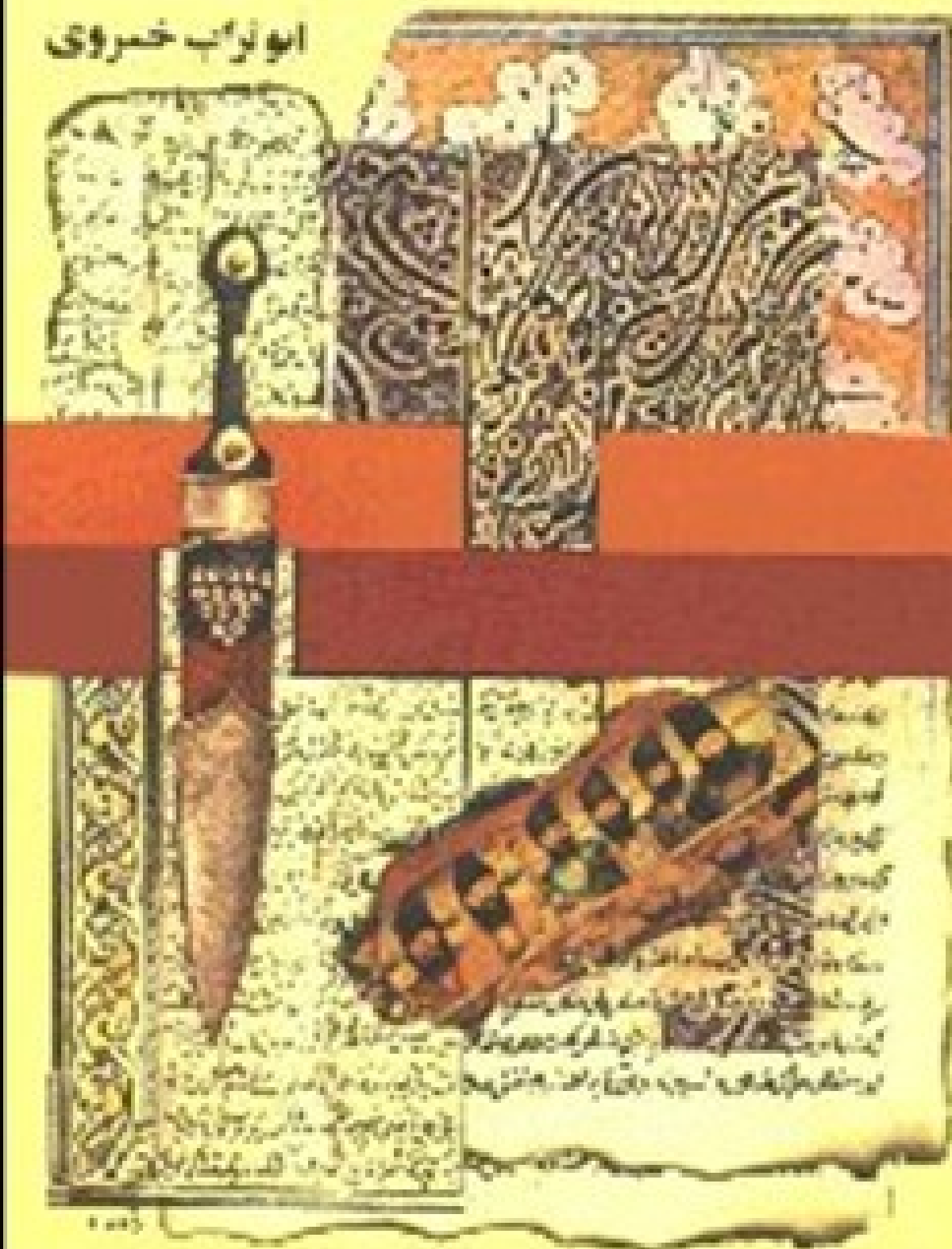
البته دستیابی به این هدف به قول خود او با شش سال کار عمیق و پژوهش در ساخت زبان متون کهن فارسی یهودی انجام گرفته است.

به کارگیری این زبان (زبان صوری) قدرت مانور به « خسروی » می دهد تا خود را از قید زبان طبیعی کند و از بافت آزادی زبان صوری برای بیان مفاهیم بنیادی خود استفاده کند. « چامسکی » در تعریف این زبان معتقد است که تفاوت بین زبان های « ساختگی » و « طبیعی » بافت آزادی زبان « ساختگی » و مقید بودن زبان های طبیعی است . او در ساحت همین زبان است که « احمد بشیری » را خلق می کند تا پرسوناژهای زنده خارج از متن مانند « رفعت ماه » ، « آذر » و حتی خود سعید (راوی) را به متن دعوت کند و آن ها را به جای جای روایت خود ، از شاه مغفور ارجاع دهد.

در اسفار کاتبان خواننده با متنی تو در تو و آمیخته با نثری کهن و امروزی رو درروست.

اسفار کاتبان

ابو نواب خمر وی



او در به کارگیری همین زبان است که نظریه انشقاق « سوژه » و « ابژه » را بی اعتبار می کند. قدرت در هم آمیزی فضای درون و برون داستان و خارج کردن سوژه از متن و یا حتی دعوت ابژه به درون متن، با فضا سازی بسیار ماهرانه ای که خسروی از در هم آمیختگی زمان و مکان در روایت احمد بشیری دارد، به نظر خارق العاده می رسد. بی اعتبار کردن انشقاق ذهن و عین در این بخش از داستان به خاطر هم آمیزی زمان و مکان و خود ارجاعی متن به دلیل سیال بودن سوژه ها منجر به انتقال بحران از بیرون به متن می شود. ارایه متن بحران را در روایت احمد بشیری به نوعی نظریه « شالوده شکنی » و « متا فیزیک حضور » ، « ژاک دریدا » را تداعی می کند. در جایی که احمد بشیری از اصرار به مکتوب کردن احوالات « شیخ کندی » در ابتدای روایت شاه مغفور می گوید و باز اشاره در متن به شباهت رفعت ماه و بلقیس و یا شباهت رفعت ماه به رقا صه اعجوبه هندی . حضور سیال رفعت ماه و آذر در متن ، در آمدن رفعت ماه به هیات های مختلف و باز هم اصرار احمد بشیری به مکتوب کردن وقایع و حضور خود او در فضای روایت، همه حکایت از سیالیت پرسوناژهای این داستان دارد. به صورتی که این جا نظریه « میشل فوکو »، یعنی « محو شدن » « سوژه نویسا » کاملا آشکار می شود. در این بخش از داستان به زعم « فوکو » نوشتار از بند بعد بیان رها می شود و صرفا به خود ارجاع می کند. با این وصف، متن به حدود درونی اش محدود نمی شود و بر بیرونگی بسط یافته اش منطبق است. در اسفار کاتبان شخصیت های داستان در طول و عرض متون کهن و امروز در حال سفر دایمی هستند، تکرار می شوند، به هیات های مختلف در می آیند و خلاصه این که در متن داستان سیال هستند.

ابوتراب خسروی زیباترین ساختار را در بخش روایت احمد بشیری به طرز بسیار استادانه ای پرداخت کرده استدر این بخش از داستان کلمات با مهارت خاصی کنار هم چیده شده اند و گویی او با آخرین نظریه های زبان شناختی آشنایی کامل دارد. او این بازی را حتی خارج از متن کهن و روایت احمد بشیری نیز بسط داده است. خسروی در بخش دراماتیک داستان، یعنی روایت « اقلیما و سعید » در پایان داستان به طرز بسیار استادانه ای نظریه سنتی خویشاوندی نوشتار با مرگ را به نوعی بی اعتبار می کند. او در آخر داستان پس از مرگ دلخراش اقلیما تعهدی را که بر دوش نویسنده است تا داستان را به سرانجام برساند، بر دوش خواننده می گذارد و خواننده را وادار می کند که پس از مرگ اقلیما و پایان داستان، روایت اقلیما و سرگذشت او را به نوعی مکتوب کند و داستان را ادامه دهد. انگاره « مولف » در انتهای داستان بدین طریق از بین می رود. به اصطلاح « فوکو » مرگ مؤلف در این جا آغاز می شود و این درست از جمله ویژگی داستان نویسان قرن حاضر به خصوص رمان مدرن است. خسروی در تمامی بخش ها با ساختی زیرکانه از متن اجازه تاویل را به خواننده می دهد و این نهایت احترامی است که او برای مخاطبین خود قایل است.

اما اسفار کاتبان به این جا ختم نمی شود، این بخش از داستان (روایت احمد بشیری) به موازات داستان شدرک قدیس و

سرگذشت زلفا جیمز و مادر اقلیما که بخش های دیگر رمان را تشکیل می دهند، پیش می رود. در نقطه تلاقی این بخش ها به هم در می یابیم که همه این پرسوناژهای محوری داستان (احمد بشیری ، شدرک ، زلفا جیمز و حتی اقلیما و سعید) به نوعی کسانی بودند که از تاریخ به اسطوره ها پیوستند و یا به روایتی دیگر گونه اسطوره ها هستند که به تاریخ تبدیل می شوند. در این رمان سیر تحول داستان از اسطوره (شدرک ، شیخ یحیی کندی) به تاریخ گذشته (زلفا جیمز) و از تاریخ گذشته به زمان حال (سرگذشت اقلیما و سعید) است. « خسروی » این سیر تحول ، در واقع جستار اسطوره ای - تاریخی را با ارجاع به متون کهن با تیزهوشی ویژه ای انجام می دهد. اگر چه باز هم در انتها همان دور تسلسلی که در ساختار زبان وجود داشت و تعهد را برای ادامه داستان بر دوش مخاطب گذاشت، اما در محتوا نیز در بخش پایانی داستان اقلیما با مرگش به اسطوره ها می پیوندد و به یک قدیس تبدیل می شود. منتها قدیسی که ساختنش بر عهده مخاطب است، نه نویسنده . همچنان که زلفا جیمز که همسر یک خاخام یهودی بود، پس از مرگش به یک قدیس تبدیل شد و احمد بشیری که شیخ یحیی کندی در قالب او درآمده بود نیز همچنین. به هر حال همچنان که در ابتدای مطالب نیز اشاره شد، اسفار کاتبان رمانی با متن منحصر به یک سبک خاص نیست و شایسته هم نیست که آن را در یک سبک و قالب قرارداد. این رمان دارای تنوع متن و اثری منحصر به فرد است. در این رمان نظریه چندگانگی متن ” رومن بارت “ کاملاً آشکار است. البته نه به این معنی که متن چند معنا دارد، بلکه به نظر بارت متن چندگانگی معنا را محقق می کند. متنی که در این رمان استفاده شده به زعم بارت از متن، همزیستی معناها نیست، بلکه عبور و گذر است، پس پشتوانه اش نه تفسیر، بلکه گونه ای انفجار و انتشار است. به همین دلیل است که باید گفت به اندازه مخاطبین این رمان ادامه آن نیز منتشر می شود. در اسفار کاتبان، نویسنده خود یک مهمان در درون متن است و خواننده را نیز به متن دعوت می کند و انتظار همکاری عملی از او دارد. اسفار کاتبان همچنان که از نامش پیداست، مخاطب را متعهد می کند که تا آخر رمان با او همراه باشد و او را درک کند و نهایتاً ادامه روایت را خود او مکتوب کند. « ابوتراپ خسروی » با نوعی پرداخت که به نظر بدعتی در داستان نویسی ایران محسوب می شود، لذتی را به خواننده می دهد که باید از یک نگاه زیباشناختی به تاویل آن پرداخت، لذتی عالی که سال ها خاطره اسفار کاتبان را در ذهن به یادمان خواهد گذاشت.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۱۲۲۲/کاتبان-اسفار>